

گروگانگیری

نمایششی برای اخاذی

۲۵۰ میلیون تومانی

آرمین بینا

پسر جوان برای اخاذی ۲۰۰ میلیون تومانی از خانواده دوستش، سناریوی ساختگی گروگانگیری را با همدستی دو نفر از دوستانش اجرا کرد. یک هفته قبل مردی سراسیمه به اداره پلیس رفت و از گم شدن ناگهانی پسر ۱۴ ساله‌ش به نام سعید خبر داد. وی در توضیح ماجرا گفت: «پسر دانش‌آموز است و هر روز از مدرسه به خانه بر می‌گردد، اما امروز با من تماس گرفت و گفت قرار است همراه یکی از دوستانش به تفریح برود و دیر به خانه می‌آید. من و همسرم تا غروب منتظر سعید بودیم، اما خبری از او نشد و وقتی دیر کرد، نگرانش شدیم و به خانه همه دوستانش وبستگمان سر زدیم، اما ردی از او پیدا نکردیم و الان نگرانش هستیم.»

با طرح این شکایت پرونده به دستور دادیار شعبه اول دادرسی امور جنایی تهران برای پیدا کردن پسر گمشده در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت.



اخاذی ۲۰۰ میلیون تومانی

در حالی که هفت روز از حادثه ناپدید شدن پسر نوجوان گذشته بود و مأموران هیچ ردی از او پیدا نکرده‌بودند، پدر شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و گفت آدم‌ریاییان پسرش را به خاطر اخاذی ۲۰۰ میلیون تومانی گروگان گرفته‌اند. وی گفت: «یک روز پس از اعلام مفقودی پسرم مرد ناشناسی با تلفن همراه من تماس گرفت و گفت سعید را گروگان گرفته و برای آزادی آن ۲۰۰ میلیون تومان درخواست کرد. او تهدید کرد اگر موضوع را به پلیس خبر بدهم، همدستانش پسرم را می‌کشند و از طرفی هم صدای گریه پسرم را شنیدم که درخواست کمک می‌کرد و از من می‌خواست به پلیس خبر ندهم، آنها در این چند روز فیلم و عکس‌هایی از شکنجه پسرم بر می‌فرستادند و مرا به شدت ترساندند . من در این چند روز مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان فراهم کردم و می‌خواستم که آدم‌ریایان بدهم تا پسرم را آزاد کنند، اما امروز در روزنامه‌ای خبری را خواندم و متوجه شدم در حادثه مشابه آدم‌ریایان بعد از اینکه پول را از خانواده گروگان گرفته‌اند، گروگان را به قتل رسانده‌اند. ترسیدم همین بلا سر پسرم بیاید و الان دوباره به اداره پلیس آمدم تا درخواست کمک کنم.» وی در پایان گفت: «قرار است امروز من پول‌ها را در سطل زباله پارکی بگذارم و آنها پس از برداشتن پول‌ها، پسرم را آزاد کنند.»

رهایی گروگان

با به دست آمدن این اطلاعات مأموران به شاکای آموزش دادند و او را راهی محل قرار کردند. از سوی دیگر محل قرار از سوی مأموران تحت‌نظر گرفته شد و دقیقاً بعد مأموران متوجه شدند دو پسر جوان برای برداشتن ساک پول به سطل زباله نزدیک شدند. بدین ترتیب مأموران در عملیات دو دستگیر شدند، البته الان فهمیدم آنها پُرمان در خانه‌ای حوالی جنوب تهران حبس شده و یکی از همدستانشان هم بگهپان مخفیگاه‌شان است. بدین ترتیب مأموران راهی مخفیگاه متهمان شدند پس از دستگیری سومین آدم‌ربا پسر ۱۴ ساله را آزاد کردند و تحویل خانواده‌اش دادند.

پسر ۱۴ ساله به مأموران گفت: «روز حادثه با دوستم پیمان قرار داشتیم برای تفریح به پارکی برویم و وقتی سر قرار رفتیم، ناگهان دو مرد جوان راه ما را سد و ما را به زور سوار خودرو کردند و به خانه‌ای بردند. آنها مرا شکنجه می‌دادند تا از دوستانش گروگان بگیرد و اخاذی کند.

و فرامرز نام دارند و از دوستان پیمان هستند و نقشه را با هم طراحی کرده‌اند.»

متهمان در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند.

وسوسه پول

پُرمان متهم ۲۳ ساله مدعی است به خاطر ولخرجی و خوشگذرانی‌هایش بدهی بالا آورده و به همین دلیل تصمیم گرفته‌بود پسر نوجوان را با همدستی دو نفر از دوستانش گروگان بگیرد و اخاذی کند.

پُرمان سابقه داری؟

نه. من اصلاً هیچ سابقه‌ای ندارم.

چه شد که تصمیم به گروگانگیری گرفتی؟

من ولخرج بودم و همیشه پول برای خوشگذرانی کم می‌آورد.م از طرفی هم وسوسه پولدار شدن داشتم و وقتی متوجه شدم پدر و مادر سعید پولدار هستند، تصمیم گرفتم او را با همدستی دو نفر از دوستانم گروگان بگیرم و اخاذی کنم.

پسر ۱۴ ساله را از کجا می‌شناختی؟

من مدتی قبل در بازی‌های آنلاین اینترنتی با پیمان آشنا شدم و بعد فهمیدم او دوست ۱۴ ساله‌ای به نام سعید دارد که پدرو مادرش پولدار هستند. به همین دلیل نقشه آدم‌ریایی را طراحی کردم تا با اخاذی از خانواده او بدهی‌ام را برداشت کنم.

چقدر بدهی داشتی؟

حدود ۱۰۰ میلیون تومان بدهی داشتم.

چرا این همه؟

مدتی قبل با دختر پولداری آشنا شدم و برای اینکه پیش او و دوستانش کم نیآورم، از دوستان و بستگانم پول قرض می‌کردم و بدهکار شدم.

درباره نقشه آدم‌ریایی توضیح بده؟

ان روز طبق نقشه من و دوستم راه پیمان و سعید را سد کردیم و هر دوی آنها را ربودیم. پیمان نقشش راه‌به خوبی اجرا کرد تا دوستش سعید متوجه نشود و بعد سعیدرا در خانه همدستم که پدر و مادرش مسافرت بودند، حبس کردیم، اما آخرش گرفتار شدیم.

می‌دانم جرمانا چقدر سنگین است؟

بله، اما فکر نمی‌کردم گرفتار شویم.

چرا؟

چون پیمان به ما گفت سعید گفته پدرش او را دوست دارد و هیچ موقع به خاطر حفظ جان پسرش ریسک نمی‌کند.

حوادث

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰



تجمع‌های بی‌مورد شهروندان عملیات امداد آتش‌نشانان را دشوار می‌کند

پلیسی میدان داری کند

حسین فصیحی

وقتی حادثه‌ای افتاد، مردم به جای فرار از محل به سمت کانون حادثه هجوم می‌برند، از همین رو تجمع گسترده شهروندان در محل وقوع حوادث همواره عملیات امداد را مختل می‌کند، جان مصدومان را در معرض خطر قرار می‌دهد و به شکل‌گیری ترافیک‌های سنگین دامن می‌زند. آتش‌نشانان همواره در جریان عملیات امداد باید علاوه بر تلاش برای امدادرسانی، بخشی از توان خود را هم صرف مدبریت میدانی کنند

که عملیات امداد در آن جریان دارد. در جایی که نجات جان افراد گرفتار شده میان دود و آتش یا خروارها آوار به تمرکز زیاد و آرامش بسیار نیاز دارد، هجوم شهروندان برای تماشا یا گرفتن استوری، جان امدادگران و مصدومان را در معرض خطر قرار می‌دهد. روشن است در همه تماشائگران، به شکل‌گیری ترافیک‌های سنگین منجرشود که دامنه آن تمام شهر را در گیر کند. در چنین وضعیتی نیروهای پشتیبان از جمله امدادگران اورژانس قادر نیستند در فرصت مناسب به کانون خطر نزدیک شوند، بنابراین در چنین شرایطی که عملیات نجات مصدومان به ثابته بند است، همچان ناشی از حضور شهروندان می‌تواند به قیمت جان مصدومان تمام شود.

تکرار تجربه‌های تلخ
مثال روشن آن حادثه‌ای است که در جریان آوار شدن ساختمان پلاسکو با متروپل آبادان اتفاق افتاد و شکل‌گیری ترافیک ایجاد شده ناشی از کنجکاو‌های شهروندان سبب شد

پلیس ناگزیر شود با استقرار در خیابان‌های اطراف محل حادثه، محدودیت‌های ترافیکی بسیاری را به اجرا بگذارد. تجربه نشان می‌دهد هرچه حادثه دربرگیری بیشتری داشته باشد، افراد بیشتری برای دیدن حادثه به محل

آتش‌سوزی در مغازه‌ای ۳۰ متری که محل نگهداری اسناد و مدارک بود، اتفاق افتاده و دامنه آتش به مغازه‌های اطراف هم سرایت کرده بود. امدادگران همزمان با ایمن کردن محل، ۶۰ نفر از شهروندان را از محل حادثه خارج کردند و موفق به مهار آتش شدند. در جریان این حادثه که علت آن در حال بررسی است، یکی از شهروندان که فردی ۲۵ ساله بود، دچار سوختگی و به بیمارستان منتقل شد.

چرایی شکل‌گیری تجمع‌های انسانی
پرفسور حسین باهر، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه درباره چرایی هجوم شهروندان به سمت کانون‌های خطر به «جوان» می‌گوید: «ما

به‌طور کلی ملت هیجانی و به دنبال هیجانات هستیم؛ هیجانات خوب یا بد و بدون اینکه این فرهنگ وجود داشته باشد که از آسیب‌ها جلوگیری یا پرهیز کنیم، به سمت آن هجوم می‌بریم. این مسئله کلی است و در طول سنوات گذشته مشاهده کردیم که شهروندان به جای اینکه مسیر را برای نیروهای امدادی به گونه‌ای باز کنند که امدادگران بتوانند به راحتی عملیات امداد را انجام دهند و به مصدومان کمک کنند، راهنشانان و ترافیک را تسهیل می‌کنند.»

وی برای رفع این معضل به دو راهکار اشاره می‌کند: «برای رفع این آسیب باید فرهنگ عمومی جامعه ارتقا پیدا کند و دیگر اینکه باید سرگرمی‌های لازم برای مردم به‌گونه‌ای ایجاد شود که به دنبال اینگونه هیجانات نروند.»

این استاد دانشگاه درباره راهکارهای رفع مشکل در وضعیت موجود هم عنوان می‌کند: «از آنجا که ارتقای فرهنگ عمومی نیازمند زمان است برای رفع آسیب‌های موجود باید از قانون کمک گرفت و پلیس یا حضور در صحنه از هجوم و توقف شهروندان جلوگیری و برای مدیریت صحنه به وضعیت امدادرسانی کمک کند.»



و پیاده‌روها شکل گرفت، به‌طوری‌که پلیس ناگزیر شد محدودیت‌های ترافیکی را در منطقه به اجرا در آورد.

انگونه که جلال ملکی گفته، آتش‌نشانان توانستند از گسترش آتش به ساختمان‌های اطراف جلوگیری و بعد از چند ساعت آتش را مهار کنند. با وجود اینکه حادثه تلفات جانی نداشت، اما دو نفر از آتش‌نشانان دچار مصدومیت شدند و خسارت‌های مالی بسیاری هم بر جای ماند. قبیل از وقوع این حادثه، آتش‌سوزی دیگری هم در منطقه ستارخان تهران اتفاق افتاده بود. محل حادثه مجتمع مسکونی بین خیابان بهبودی و شادمان بود.



فرار از دست پلیس به سبک فیلم‌های هالیوودی

سارقان موتورس شناسایی و اعلام می‌کند دو متهم همراه مرد جوان دیگری با چاقو او را خفت و موتورس را سرتف کرده‌اند. پس از این متهمان به زورگیری‌های سرپایی با همدستی یکی دیگر از دوستانشان اعتراف و مأموران هم همدست آنها را بازداشت می‌کنند.

سارق نابغه

صبح دیروز سارقی که موفق به فرار نشده بود به دادسرا منتقل شد و در بازجویی‌ها گفت: «من و دوستانم فراریم همه سابقه داریم و در زندان با هم آشنا شدیم. مدتی قبل که آزاد شدیم این باند را تشکیل دادیم و فقط هم موتورسیکلت سرقت می‌کردیم. البته فراری هستیم، مدعی می‌شوند موتورسیکلت خشنی هستند که از مدتی قبل در کوچه و خیابان‌های خلوت با تهدید چاقو، ارنده‌های موتورسیکلت‌ها را خفت و موتور آنها را سرقت می‌کردند. مأموران پلیس در یافتند در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران به نام موتوسیکلت‌ها را خفت و موتور آنها را سرقت می‌کردند. مأموران پلیس در یافتند در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران به نام موتوسیکلتی با دو سرنشین مشکوک می‌شوند و موتورسیکلت را متوقف می‌کنند.

سرنشینان موتورسیکلت که همان دو متهم فراری هستند، مدعی می‌شوند موتورسیکلت را به صورت قولنامه‌ای از مردی خریده‌اند و حتی قولنامه دستی‌ام هم به مأموران نشان می‌دهند، اما مأموران پلیس در بررسی‌های فنی متوجه می‌شوند موتورسیکلت چند روز قبل از صاحبش سرقت شده است. بدین ترتیب در حالی که متهمان ادعا می‌کردند بی‌گناه هستند، مأموران آنها را به کلاترزی منتقل و صاحب موتور را شناسایی و به کلاترزی دعوت می‌کنند. صاحب موتور وقتی با دو متهم روبه‌رو می‌شود آنها را به عنوان

متهمان دستان دستبند زده خود را از عقب هر کدام به دور گردن یکی از سربازان انداختند و محکم همانند ریسمان اعدام کشیدند. با فریاد داد و بی داد دو سرباز، زور به محل کنترل خودرو را از دست داد، اما دوباره به فرمان جسیبید و خودرو را کنترل کرد. هر لحظه که می‌گذشت رنگ صورت دو سرباز و طیفه به گج شبیه‌تر می‌شد و متهمان هم تهدید می‌کردند اگر راننده خودرو را متوقف نکند سربازان را خفه می‌کنند. نفس‌های سربازان به شماره افتاده بود و متهمان هم بیشتر گلوی آنها را می‌فشرده‌اند. راننده که کاری از دستش ساخته نبود، چاره‌ای جز تسلیم شدن نداشت، بنابراین خودرویش را در محلی خلوت متوقف کرد. دو متهم هم با رها کردن دو سرباز از خودرو پیاده شدند و از محل فریختند. سربازان لحظاتی گجج و منگ روی صندلی جلو افتاده بودند و وقتی از یک قدمی مرگ به حیات دوباره بازگشتند، تازه متوجه شدند که دو نفر از متهمان از دام آنها فریخته‌اند، از این رو به سرعت از مرکز درخواست کمک کردند.

نقشه فریب
با اعلام این خبر، بلافاصله چند تیم از مأموران راهی محل شدند و اقدام به طرح مهار کردند، اما تلاش آنها برای بازداشت متهمان فراری نتیجه نداد و موفق به دستگیری آنها نشدند. فضای کابین خودرو را پر کرده بود و سربازان که بر دستان دستبند زده بودند با خیالی جمع هم‌راه راننده به جلو نگاه و برای رسیدن به دادسرا تانیه‌شماری می‌کردند.

یک قدمی مرگ

خودروی حامل متهمان پس از طی مسافتی به خیابان خلوتی رسید که ناگهان دو نفر از

بازداشت

مصائب حمل مدام اوراق هویتی



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

اگر شما هم جزو آن دسته از شهروندانی هستید که عادت دارید اوراق هویتی یا کیبی آن را همیشه همراه داشته باشید، بهتر است این نوشته را تا انتها بخوانید. مطالبه مستمر اوراق هویتی از سوی سازمان‌های اداری سبب شده بسیاری از شهروندان اوراق هویتی خود یا کیبی آن را داخل کیف‌شان همراه داشته باشند تا در مواقع ضروری آن را ارائه دهند. آسیب‌های همراه داشتن این اوراق زمانی

معلوم می‌شود که مورد سوءاستفاده قرار گیرد. بسیاری از سارقان بعد از سرقت کیف شهروندان این اوراق را به کلاهبرداران می‌فروشند و آنها هم با استفاده سوء از این اوراق برای صاحبان آن در دسر ایجاد می‌کنند. به عنوان مثال یکی از شهروندانی که به عنوان مظنون به قتل در شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران مورد تحقیق قرار گرفته بود، گفت که همیشه عادت داشته اوراق هویتی‌اش را همراه داشته باشد تا اگر لازم شد آن را ارائه دهد. او به دادگاه گفت که وقتی یک روز برای عبادت یکی از بستگانش از شهرستان به بیمارستانی در تهران آمده بود، کیفش سرقت شد. سارقان بعد از برداشتن پول‌های داخل کیف آن را زیر درختی در پارک بعثت رها کرده و به دنبال کار خودشان رفته بودند. مأموران پلیس یک روز بعد از آن جسد دختری را که به قتل رسیده بود در چند متری کیف پیدا کردند و با ردیابی اوراق هویتی داخل کیف، آن مرد را به عنوان مظنون بازداشت کردند.

شهروند دیگری هم که مجبور شده بود برای چند ماه به‌لایه اداره پلیس تهران رابالا و پایین کند، به پلیس گفته است که عادت داشته اوراق هویتی‌اش را همیشه در کیفش همراه داشته باشد تا اینکه به شب وقتی همراه خانواده‌اش به پارک ولایت رفته بود، کیف او از داخل صندوق عقب خودرویش سرقت می‌شود. سارقان تاجایی‌که امکان داشت با یکی از دسته‌چک‌های او در بازار خرید کرده بودند و اوراق دومین دسته چک را هم به عنوان چک ضمانت معتبر در سایت بازار فروخته بودند. همچنین موفق شده بودند با اوراق هویتی او در یکی از بانک‌ها برای خودشان حساب باز کنند و کارت آن را به عنوان کارت اجاره‌ای به کلاهبردار بفروشند.

فارغ از چرمانی که در فضای حقیقی با استفاده سوء از اوراق هویتی شهروندان در جریان است، بارگذاری اوراق هویتی در سایت‌هایی است که ماهیت قانونی آنها محل اشکال است. بسیاری از افراد فریبکار برای دست پیدا کردن به اوراق هویتی شهروندان صفحاتی را برای استخدام، ارائه تسهیلات، از دواج موقت و مواردی از این دست دایر می‌کنند و از شهروندان می‌خواهند اوراق هویتی‌شان را به شبکه اجتماعی که شماره

آن را اعلام می‌کنند، ارسال کنند. این دسته‌ها مجرمان بعد از دریافت این اوراق دیگر به متقاضیان پاسخ نمی‌دهند و با استفاده سوء از این اوراق از سکه یا ارزهای سهمیه‌ای یا گرفتن وام و دسته‌چک استفاده می‌کنند.

با در نظر گرفتن موضوعاتی که به آن اشاره شد، روشن است بسیاری از اعمال مجرمانه با فرصت‌هایی که شهروندان برای مجرمان فراهم می‌کنند امکان بروز پیدا می‌کنند و تا زمانی که این بی‌احتیاطی‌ها در جریان باشد، امکان بروز اعمال مجرمانه هم وجود دارد.



عاملان حمله به مرکز درمانی

به محل حادثه بازگشتند

اشرار مسلح که با حمله به مرکز درمانی در خانی‌آباد تهران باعث وحشت مردم شده‌بودند، بازداشت شدند و صحنه جرم را بازسازی کردند.

سه روز قبل بود که انتشار فیلمی در شبکه‌های اجتماعی باعث وحشت کاربران شد. براساس فیلم منتشر شده‌ای اوپاش با حمله به مرکز درمانی در محله خانی‌آباد باعث وحشت مردم شده‌بودند. همزمان با وقوع حادثه بود که تیمی از مأموران پلیس امنیت برای بازداشت مردان شرور راهی محل شدند. همزمان با حضور پلیس معلوم شد که مردان شرور از محل متواری شده‌اند، بنابراین تلاش برای دستگیری آنها به جریان افتاد و مأموران موفق شدند آنها را بازداشت کنند.

سرهنگ سعید راستی، معاون عملیات سازمان اطلاعات پلیس تهران روز گذشته و در حالی که عاملان حادثه برای بازسازی صحنه جرم به محل منتقل شدند، گفت: شش نفر از اوپاش در دو گروه بر سر کری‌خوانی و چشم‌در چشم شدن در پارک با هم درگیر و چهار نفر از آنها با قمه و چاقو مصدوم شدند و یکی از آنها که دستش جراحت عمیق داشت و بعداً ۵۰ بخیه خورد، از بین اراذل فرار کرد و خودش را به در مانگاه رساند تا درمان شود. وی ادامه داد: در این هنگام دو نفر از اراذل گروه مقابل با اسلحه کلاشینکف و سوار بر موتورسیکلت مقابل در مانگاه آمدند و شش گلوله شلیک کردند که به پنجره و شیشه در مانگاه برخورد کرد. وی گروه سنی اراذل را از ۱۷ تا ۱۸ سال و نهایت ۲۷ سال عنوان کرد و گفت: این افراد سابقه سرقت و خشونت دارند.

سرهنگ راستی در خصوص درگیری دوم در مقابل بیمارستان فرح اظهار داشت: دو گروه از اراذل اوپاش نوپا با سن و سسال که در ده سنی ۱۹ تا ۲۳ سال هستند، به صورت اتفاقی و چشم‌تو چشم مقابل بیمارستان فرح با هم درگیری می‌شوند که یکطرف دعوا به منزل می‌روند و اسلحه خود را می‌داند و به صحنه بر می‌گردند و چند تیره‌وایی شلیک

و سپس صحنه را ترک می‌کنند. رئیس مرکز عملیات سازمان اطلاعات پلیس تهران بزرگ گفت: پس از این ماجرا این افراد به سمت شهرهای شمالی کشور متواری شده‌بودند که توسط پلیس شناسایی و هر پنج نفر دستگیر و به محل جرم بازگردانده شدند، از این افراد سه قبضه قمه، یک سلاح جنگی امریکایی، دو خشاپ و ۱۶ تیر جنگی کشف می‌شود.